

درس هفتم | **۷** رویکرد خود را ارزیابی کنید

مردم با هم متفاوتند. حتی در میان یک قوم، یک گروه، یا یک خانواده، نمی‌توان با همه یکسان برخورد کرد. روشی که در یک کشور کارایی دارد، ممکن است در کشوری دیگر کارایی نداشته باشد. اغلب اوقات، باید برای یک فرد رویکردهای متفاوتی را به کار بگیریم. هنگامی که از رویکردها در بشارت فردی سخن به میان می‌آوریم منظورمان گام‌هایی است که برای رساندن یک فرد به مسیح برمی‌داریم.

ممکن است بپرسید کدام روش به خصوص را می‌توان برای یک فرد مشخص به کار بست. اما هیچ روش واحدی نیست که همواره کارگر باشد. باید تا زمانی که رویکرد مناسب را بیابید به تلاش ادامه دهید. آماده باشید که در صورت لزوم، روش خود را تغییر دهید و اجازه دهید روح‌القدس شما را هدایت کند.

در درس گذشته، روش پیروزی بر برخی از موانع فرهنگی مهم را مطالعه نمودیم. در حینی که روش شروع صحبت با مردم، را مطالعه می‌کنید، این موارد را نیز در ذهن داشته باشید.

سرفصل‌ها

- A. طبیعی باشید
- B. محکوم نکنید
- C. احترام بگذارید
- D. توجه کنید

اهداف این درس

۱. در اعلام خبر خوش، رویکردی مثبت و طبیعی داشته باشید
۲. دو نمونه کتاب مقدسی از نگرش خدا نسبت به انسان‌های گناهکار، بیان کنید
۳. با ذکر یک مثال توضیح دهید که چگونه نگرش محترمانه می‌تواند در بشارت فردی، مفید واقع شود
۴. توضیح دهید که چرا باید نسبت به افراد، توجه داشته باشیم

A. طبیعی باشید

هدف اول: در اعلام خبر خوش، رویکردی مثبت و طبیعی داشته باشید

اگر بخواهیم به کار نجات جان‌ها پردازیم، باید بدانیم کدام رویکردها به ما کمک می‌کنند تا خبر خوش را در میان بگذاریم. نخست، باید اجازه دهیم که سخنان و اعمالمان مثال‌هایی زنده از بشارت ما باشند و پس از آن باید طبیعی رفتار کرده، به دنبال راه‌هایی باشیم که بتوانیم با مردم از دیدگاهی صحبت کنیم که برای آنها قابل درک باشد.

عیسی با زن سامری به عنوان یک مسافر که به کمک نیاز دارد، شروع به صحبت کرد. حتی این زن گناهکار نیز می‌توانست به عیسی کمک کند. عیسی خود را فردی بسیار مهم در نظر نگرفت که دریافت

کمک از این زن برای او کسر شأن باشد. برعکس، او گفت: «جرعه‌ای آب به من بده» (یوحنا ۴: ۷). در کشور من، به این نوع رویکرد، رویکرد «غریبه» یا «مسافر» می‌گویند.

با استفاده از چنین رویکرد طبیعی، عیسی توانست درونی‌ترین نیازهای آن زن را برطرف کند و توانست «آب زنده» خود را به او بنوشاند. در عهدعتیق می‌خوانیم که خادم ابراهیم در کنار چاه، با همین رویکرد از ربکا درخواست کرد که: «لطفاً جرعه‌ای آب از کوزه‌ات به من بنوشان» (پیدایش ۲۴: ۱۷).

مردم اغلب اوقات، مشتاق کمک به افراد نیازمند هستند. اگر به آنها این فرصت را ببخشید که یک خدمت کوچک را برایتان انجام دهند، این امکان هست که هنگام در میان گذاشتن خبر خوش به شما گوش بسپارند. پولس رسول هم از همین رویکرد طبیعی بهره گرفت. هنگام ملاقات از شهر آتن، از مشاهده اینکه سراسر آن شهر پر از بت بود، بسیار غمگین شد. با این همه هنگام سخن گفتن با مردم، حکمت به خرج داد:

«ای مردان آتنی، من شما را از هر لحاظ بسیار دیندار یافته‌ام. زیرا هنگامی که در شهر سیر می‌کردم و آنچه را که شما می‌پرستید نظاره می‌نمودم، مذهبی یافتم که بر آن نوشته شده بود: تقدیم به خدای ناشناخته. حال، آنچه را شما ناشناخته می‌پرستید، من به شما اعلام می‌کنم» (اعمال رسولان ۱۷: ۲۲-۲۳).

پولس با روش ساده صحبت از چیزی در زندگی این افراد، توجه آنها را به خود جلب کرد. اگرچه آنان بت‌پرست بودند، اما پولس توانست با استفاده از بت‌پرستی این افراد، خبر خوش را با آنها در میان بگذارد. در نتیجه، برخی از آنها به او پیوستند و ایمان آوردند (اعمال رسولان ۱۷: ۳۴).

بیاپید فرض کنیم پولس رسول می‌گفت: «شما گناهکارید و راهی جهنم خواهید شد. چشمان افراد بت‌پرست هرگز خدا را نخواهد دید». در نتیجه، ممکن بود واکنش آن افراد به کلی متفاوت باشد و

این احتمال وجود داشت که هیچ کدام از آنها در آن روز حرفش را باور نمی‌کرد.

نمی‌توانیم افراد را با رویکردی منفی جذب کنیم بلکه باید با رفتاری مثبت و طبیعی با آنها همدردی کنیم. سالها پیش از این، راه روستایی را به عموی نابینایم، که یک شبان بود، نشان دادم. مردم این روستا به این امید که خدایانشان را از خود خشنود کرده باشند، حیواناتی را قربانی می‌کردند. عمویم به آنها گفت که قربانی کردن حیوانات کار تازه‌ای نیست و خدا از قربانی خشنود می‌شود و زمانی به قوم خود گفت تا به صورت منظم این قربانی را انجام دهند.

تا این زمان، تمام اهالی روستا در آنجا ایستاده بودند و گوش می‌کردند. آنها پیشتر هرگز چنین چیزی را نشنیده بودند بلکه به این عادت کرده بودند که با آنها با رویکردی منفی برخورد شود. پس از آن، عموی من این‌گونه ادامه داد در زمان مناسب، خدا پسر خود عیسی را به عنوان قربانی فرستاد و به آنها گفت عیسی بر روی صلیب مُرد تا تمام بشریت را نجات دهد. از آن زمان تا کنون، خدا دیگر قربانی حیوانات درخواست نمی‌کند، زیرا عیسی جای تمام آن قربانی‌ها را گرفت. ما می‌توانیم به نزد خدا بیاییم، با او سخن بگوییم و او صدای ما را خواهد شنید.

عموی نابینای من از رویکردی مثبت نسبت به سوژه مورد علاقه تمام آن مردم استفاده کرد و توانست بسیاری از آنها را به سوی مسیح هدایت کند. برخی از این افراد، اکنون در کارگسترش خبر خوش مسیح هستند.

پرسش‌های کاربردی

۱. چگونه می‌توانیم به بهترین وجه به کسانی که در گناه زندگی می‌کنند کمک کنیم؟

- (a) به آنها بگوییم اگر تغییر نکنند، راهی جهنم می‌شوند.
 (b) در اعمال گناه‌آلودشان شریک شویم تا بتوانیم به آنها کمک بیشتری کنیم.
 (c) به آنها نشان دهیم که زندگی گناه‌آلود ما، با محبت مسیح، تا چه اندازه عوض شده است.

۲. در جای خالی مقابل رویکردهای مثبت عدد ۱ و مقابل رویکردهای منفی عدد ۲ را قرار دهید.
- a.... (انتقادگر بودن)
 b.... (طبیعی بودن)
 c.... (مفید بودن)
 d.... (دریافت کمک کردن)
 e.... (قضاوت کردن)
 f.... (به کار گرفتن دیدگاهی که برای آنها قابل درک است).

B. محکوم نکنید

هدف دوم: دو نمونه کتاب مقدسی از نگرش خدا نسبت به انسان‌های گناهکار، بیان کنید

خدا ما را محکوم نکرده است. هنگامی که آدم و حوا گناه کردند، خدا می‌توانست در یک لحظه آنها را نابود کند، اما این کار را نکرد. در مقابل، او به دنبال آنها گشت: «کجا هستی؟» (پیدایش ۳: ۹).

در دوران داوود پادشاه، جهان پر از گناه بود. مردم تمام قوم‌ها، بت‌پرست بودند و برخی فرزندان‌شان را با انداختن در آتش، برای خدایانشان قربانی می‌کردند (لایان ۲۱: ۱۸). حتی قوم اسرائیل هم خدای خود را ترک گفته، شبیه قوم‌های دیگر شده بود. داوود پادشاه درباره

چنین شرارت گسترده‌ای می‌نویسد:

«اینان فاسدند و کارهایشان کراحت آور است! نیکوکاری نیست! ... همه گمراه گشته‌اند و با هم فاسد شده‌اند! نیکوکاری نیست، حتی یکی!» (مزمور ۱: ۱۴، ۳).

شاید تصور کنید خدا هنگام نگرستن بر جهان گذشته و امروز و دیدن گناهان موجود در دنیا، ما را محکوم می‌کند. اما برعکس، ببینید خدا چه گفت:

«بیایید تا در برابر یکدیگر خُجّت بیاوریم: اگرچه گناهان شما چون ارغوان باشد، همچون برف سفید خواهد شد؛ و اگرچه همچون قرمز، سرخ باشد، مانند پشم خواهد شد» (اشعیا ۱: ۱۸).

خدا از نسل بشر درخواست می‌کند. خدا از گناه بیزار است، اما گناهکاران را دوست دارد. هنگامی که از آسمان به پایین می‌نگرد، تنها انسان‌هایی گناهکار را نمی‌بیند، بلکه افرادی را می‌بیند که در تاریکی هستند و نمی‌دانند به کدام سو بروند و چه کار کنند. او افرادی را می‌بیند که به سبب گناه آسیب دیده‌اند. با این وجود، او جهان را آنقدر محبت کرد که تنها پسرش را به ما ارزانی داشت. خدا نمی‌خواست که جهان را محکوم کند بلکه می‌خواست آن را نجات بخشد (یوحنا ۳: ۱۶-۱۷).

عیسی نیز ما را محکوم نکرد و محکومیت، بخشی از مأموریتش نبود. او به هنگام سخن گفتن با زن سامری، می‌دانست که او در گناه زندگی می‌کند و می‌دانست که مطابق شریعت، آن زن باید سنگسار شود تا بمیرد. اما دلش به حال او سوخت و به او آبی زنده و ابدی پیشنهاد کرد. عیسی می‌دانست که این آب زنده، او را به سوی خدا خواهد کشاند و از گناه دور خواهد کرد (یوحنا ۴: ۱۰).

با خواندن کتاب مقدس به زنی دیگر برخورد می‌کنیم که به زنا متهم شده بود و بیش از دو نفر بر گناه او شهادت می‌دادند. هیچ‌کس، حتی شوهرش یا ضجه کودکانش نمی‌توانست او را از سنگسار نجات بخشد.

اما عیسی برای نجاتش پا پیش گذاشت و به کسانی که او را متهم می‌کردند گفت: «از میان شما، هر آن کس که بی‌گناه است، نخستین سنگ را به او بزند» (یوحنا ۸: ۷). هیچ فرد بی‌گناهی پیدا نشد تا نخستین سنگ را بیاندازد، و عیسی تنها کسی بود که باید این کار را انجام می‌داد، اما او به آن زن گفت:

«هیچ کس تو را محکوم نکرد؟... هیچ کس، ای سرورم. من هم تو را محکوم نمی‌کنم. برو و دیگر گناه مکن» (یوحنا ۸: ۱۰-۱۱).

این زن را در مسیر بازگشت به خانه تصور کنید که از آزادی خود، شادی می‌کند! عیسی برای این فرستاده نشد که محکوم کند، بلکه برای این فرستاده شد تا به همه آنانی که به او ایمان دارند حیات بخشد. بیایید از الگوی خداوندمان، پیروی کنیم. کار ما دادن این پیام امیدواری به آنانی است که پیشتر گناه خودشان آنان را محکوم کرده است. ما باید با محبت خداوند، به این افراد نزدیک شده، و از چشمان او بر ایشان بنگریم.

پرسش‌های کاربردی

۳. عیسی چه نگرشی نسبت به آن دو زن گناهکار داشت؟

(a) مجازاتشان کرد.

(b) آنها را بخشید.

۴. نگرش خدا نسبت به اسرائیلیان، پس از اینکه گناه ورزیدند، چه بود؟

(a) تصمیم گرفت مجازاتشان کند.

(b) تصمیم گرفت آنها را بشوید تا همچون پشم سفید گردند.

۵. پاسخ خدا به وضعیت گناه‌آلود بشر چه بود؟

.....

۶. چرا خدا عیسی را فرستاد تا به خاطر گناهان ما بمیرد؟

(a) چون از گناهکاران بسیار بیزار بود.

(b) چون ما را بسیار محبت کرد.

۷. ما باید نسبت به گناهکاران، چه نگرشی داشته باشیم؟

C. احترام بگذارید

هدف سوم: با ذکر یک مثال، توضیح دهید که چگونه نگرشی محترمانه می‌تواند در بشارت فردی، مفید واقع شود

پیشتر، درباره اهمیت این موضوع صحبت کردیم که باید در رابطه با افرادی که دارای سن یا جایگاهی متفاوت با ما هستند شناخت کافی داشته باشیم. مثال‌های بسیاری از این دست، در کتاب مقدس مشاهده می‌کنیم.

بیایید به رویکردی که یک دختر جوان اسرائیلی نسبت به بانوی خود، به کار گرفت، بنگریم. دختر گفت: «کاش سرورم نزد نبی‌ای که در سامره است می‌بود، تا از بیماری جذام شفایش دهد» (دوم پادشاهان ۵:۳). در چنین رویکردی، حکمتی بزرگ نهفته است. این دختر جوان، در عین جوانی، خدمتکار بودن و زندگی در سرزمینی بیگانه، تنها می‌توانست به آنها چیزی را پیشنهاد دهد که گمان می‌کرد مؤثر است و وقتی چنین کرد، نتیجه مثبت بود و نعمان به نزد نبی رفت.

و باز هم، هنگامی که نعمان از نبی شنید که باید برود و خود را در رود اردن بشوید، می‌توانست تصمیمی نادرست بگیرد. او به خاطر جایگاهی که داشت نمی‌خواست خود را در آن آب آلوده بشوید و قصد داشت بی‌آنکه گفته نبی را انجام داده باشد به خانه بازگردد اما خدامانش خود

را به او رساندند و گفتند: «ای پدر ما، اگر آن نبی تو را به انجام کار بزرگی فرمان می‌داد، آیا چنان نمی‌کردی؟ اینک فقط فرموده است: "تن بشوی و پاک شو!"» (دوم پادشاهان ۵: ۱۳).

این رویکرد مثبت محتاطانه خادمان، نسبت به سرورشان، او را مایل کرد که خود را فروتن کرده و به آن آب گل‌آلود رود اردن فرو رود و در نتیجه به تمامی شفا یابد!

در کشور من، اهالی روستاهای بسیار، انجیل را پذیرفتند زیرا با رویکردی مثبت مواجه شدند. برخی روستاها نیز به سبب رویکردهای نادرست، هنوز پذیرای انجیل نیستند، با اینکه خادمان مسیحی که به آنجا قدم گذاشتند، نیت‌های درستی داشتند. البته، گاهی ممکن است رویکرد درست، رویکردی بی‌پرده یا سراسر باشد اما همواره باید از هدایت روح‌القدس در این مسیر، مطمئن شویم.

پرسش‌های کاربردی

۸. مثالی بزنید از اینکه چگونه نگرش محترمانه، شما را یاری کرده تا به کسی شهادت دهید؟

.....

۹. داستان آن دختر کوچک اسرائیلی به ما می‌آموزد که می‌توانیم با به دیگران احترام بگذاریم.

(a) توجه نشان دادن

(b) نگفتن نظرات و عقاید خود

۱۰. فکر می‌کنید چه بر سر نعمان می‌آمد اگر خادمانش از گفتن حقیقت به او می‌ترسیدند؟

.....

D. توجه کنید

هدف چهارم: توضیح دهید که چرا باید نسبت به افراد، توجه داشته باشیم

در بشارت فردی بیش از هر امر دیگری، باید به نیازهای دیگران توجه کنیم. به عنوان افرادی که از سوی مسیح فرستاده شده‌اند، باید بیاموزیم که در همان مسیری پا بگذاریم که او پا گذاشت و اجازه دهیم دل‌هایمان تحت تأثیر نیازهای اطرافمان قرار بگیرد. نیازهای انسانی، اصولاً در همه‌جا یکسان هستند.

عیسی در یک جشن عروسی که به آن دعوت شده بود شرکت کرد و چون در آنجا حضور داشت، توانست نیازی را برطرف کند. فرض کنید او آن دعوت را نمی‌پذیرفت، ممکن بود شادی آن عروسی، به اندوه بدل شود و شاگردانش به آن زودی به او ایمان نیاورند و ممکن بود که ما نیز از محبت دلسوزانه او در این شرایط، آگاه نشویم (یوحنا ۲: ۱۱).

هنگامی که زنی از اهالی صیدون، به خاطر دخترش که اسیر ارواح شریر بود، به عیسی التماس کرد، او نیازش را برطرف کرد. خدمت زمینی عیسی بسیار پرزحمت و پر مشغله بود، اما نسبت به فریاد آن زن بی‌تفاوتی نشان نداد. عیسی با آنها که می‌گریستند، گریست و با آنانی که شاد بودند شادمانی می‌کرد. به من و شما نیز چنین مأموریتی داده شده است.

من و یک شماس، سال‌ها پیش در یک کمپین بشارتی از اردوگاهی به اردوگاه دیگر می‌رفتیم و مردم را به جلسه بعد از ظهر کلیسایمان دعوت کرده، خبر خوش مسیح را با آنها در میان می‌گذاشتیم. در یک اردوگاه، زنی را ملاقات کردیم که فرزندش را به تازگی از دست داده بود و افراد زیادی در آنجا بودند تا به او تسلی دهند. ما با آن زن و شوهرش صحبت کردیم و برای آنان از تجربه حوا به هنگام از دست دادن پسرش

سخن گفتیم و اینکه چگونه خدا با دادن پسری دیگر به او تسلی بخشید (پیدایش ۲۵:۴). ما از داوود پادشاه که او نیز با اندوه بیگانه نبود سخن گفتیم و اینکه چگونه خدا او را هم تسلی داد. دل‌های این پدر و مادر چنان پذیرا بود که هر دوی آنها درخواست دعا کردند و ما از خدا خواستیم تا آنها را نیز همچون حوا و دیگران تسلی ببخشد. یک سال بعد، همین زن، دختری دوست داشتنی به دنیا آورد و به گونه‌ای شخصی، تسلی خدا را تجربه کرد. تنها مایه افسوس این زوج این بود که چرا زودتر با مسیح ملاقات نکرده بودند.

از آنجا که ما به نیاز آنها توجه کرده بودیم، خدا توانست کارهای شگفت‌انگیزی را در زندگی آنان به انجام رساند. به خاطر شهادت آنها، افرادی دیگر در همان روستا مسیح را پذیرفته‌اند.

پرسش‌های کاربردی

۱۱. حال زمان آن رسیده که آنچه را آموختید، تمرین کنید. در درس پیشین، نام فردی را نوشتید که مایل بودید خبر خوش را با او در میان بگذارید و برای آن فرد در دعا بودید. اکنون تجربه مسیحی خود را با آن فرد به اشتراک بگذارید. نام او و تاریخی را که برای نخستین بار تجربه‌های خود را با او در میان گذاشتید، در اینجا بنویسید. سپس با مشارکت با افراد دیگر، نام‌ها و تاریخ‌های آنها را نیز بیافزایید.

.....

.....

.....

پاسخ به پرسش‌های کاربردی

۱. (c) به آنها نشان دهیم که زندگی گناه‌آلود ما، با محبت مسیح، تا چه اندازه عوض شده است.
۷. ما باید ازالگوی عیسی پیروی کرده، آنها را محبت کنیم نه اینکه محکومشان کنیم.
۲. (a) ۲
- (b) ۱
- (c) ۱
- (d) ۱
- (e) ۲
- (f) ۱
۸. پاسخ شما. امیدوارم همواره احترام بگذارید. به خاطر داشته باشید که در صورتی که با محبت سخن بگویید می‌توانید نسبت به نیازهای روحانی افراد صادق باشید.
۳. (b) آنها را بخشید.
۹. (a) توجه نشان دادن
۴. (b) تصمیم گرفت آنها را بشوید تا همچون پشم سفید گردند.
۱۰. شاید شفا پیدا نمی‌کرد.
۵. او، پرسش عیسی را به عنوان قربانی گناهان ما بخشید.
۱۱. این را به خاطر داشته باشید که باید دانه را کاشته و آبیاری‌اش کنید، خدا باقی‌کار را انجام خواهد داد.
۶. (b) چون ما را بسیار محبت کرد.